

نامه تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست

اتحاد شوروی بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی! رفقای عزیز! کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت پنجاه و یکمین سالروز انقلاب کبیر

سوسیالیستی اکبر از جانب خود و تمام اعضای حزب ما به شما و توسط شما بتمام مردم شوروی شادباش میگوید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر رهائی جامعه بشری را از قید ستم و استثمار و جنگ و بیاد نهاد و راه صحیح تکامل جامعه را بمللی

که در راه آزادی اجتماعی و ترقی و نیکیختی میکوشد نشان داد. کامیابهای مردم شوروی در ساختمان سوسیالیسم و مجاهدات آنان در راه ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم در سرنوشت تمام ملل جهان تأثیر عظیم میبخشد.

دنباله در صفحه ۳



اعلامیه جلسات گروه کار و کمیسیون تدارک جلسه مشاوره جهانی

احزاب کمونیست و کارگری

حزب کمونیست آرژانتین، حزب سوسیالیست متحده آلمان، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمونیست اتریش، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست استرالیا، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست افریقای جنوبی،

دنباله در صفحه ۵

گروه کار و کمیسیون تدارک جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری از روز ۲۷ سپتامبر تا اول اکتبر سال ۱۹۶۸ در بوداپست تشکیل جلسه داد.

نمایندهگان احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در این جلسات عبارت بودند از:

در باره انتخابات انجمن شهر

پس از مدت‌ها گفتگو در باره انتخابات انجمن شهرها و شهرداران و تبلیغ فراوان تحت عنوان «واگذاری کار مردم مردم» فرمان انتخابات انجمن شهر در تمام شهرها از طرف وزارت کشور صادر و روز ۱۲ مهر ماه برای انجام آن در سراسر کشور تعیین شد. بلافاصله، چون در کشور دمکرات ما همه چیز جزئی است، فعالیت و مبارزه احزاب ایران نوین، مردم و پان ایرانیست آغاز و بازار «میتینگ» های حزبی گرم گردید. مجله خواندنیها در باره این انتخابات در شماره ۶۹ خود چنین نوشت: «در این روزها چیزی با اسم انتخابات انجمن شهر با شرکت «هزار اتومبیل و سی هواپیما و ۳۲۹۷ کارمند عالیرتبه دولت و بالاخره ۲۰۵۶۲ معتمد محل» در جریان است و بازار میاسبات حزبی، آنهم بصورت حرف و کل گفتن و گل شنیدن در روزنامه های ارگان بالا گرفته است... شرکت نیست هزار و پانصد معتمد محل هم از آن حرفها است. یکی نیست بیرسد اگر ما این همه معتمد محل داریم پس چرا اینقدر نسبت بهم بی اعتمادیم؟ در این میان مضحکتر از همه درفشانیهای سخنگوی حزب اکثریت است که در پاسخ باقتدار روزنامه‌ها دایر بدخالت کارمندان دولت در انتخابات گفته است: «کارمندان دولت از «ذیصلاحیت ترین» افراد این مملکت برای شرکت در انتخابات هستند!»

مهرگان توده ها

برخی اطلاعات تاریخی

چون مهرگان که حزب ما اعیان گران است از جشنهای باستانی ایرانی است. مانند نوروز و سده و بهمنگان (یا بهمنجه) و شش اسد را باید در جشنهای کشاورزی و کشاورزان جست. ایرانیان در دوران پیش از اسلام هفته نداشتند بلکه هر روز ماه را نام گذاری میکردند. روز شانزدهم هر ماه بنام ایزد میگردید. بود که از مهمترین ایزدان زرده یسنه است. روز مهر را در ماه مهر جشن میگرفته اند و این همان جشن مهرگان است که تا دیری پیش از سلطه اسلام و بویژه در دوران غزنویان مراسم برگزاری آن مراسم میشد و سپس در اثر عصبی که علیه آداب زرتشتی ایجاد شده بود بتدریج مانند جشن سده تعطیل شد. آن ایام مهرگان و جشن شاهان و خسروان، بود و آنرا بهرگان عامه و خاصه تقسیم میکردند که جمعا مراسمهای سی روز طول میکشید و شاه در مهرگان خاصه بار عام میداد.

از آنجا که تأسیس حزب ما در دهم مهر ماه انجام گرفت کمیته مرکزی حزب توده ایران در مهر ماه ۱۳۳۵ تصمیمی اتخاذ کرد دائر به اعیان جشن مهرگان. این بار بنام بنیاد گزار و مالک واقعی آن - خلق زحمتکش ایران، نخستین بار این جشن باشکوه تمام از طرف حزب ما در آنسال برپا شد. بعدها همیشه جاکه میشد این ابتکار را از حزب ما مانند بسیاری انتخابات دیگر برپا شد و مهرگان توده ها را بار دیگر مانند عهد دیانوس بصورت جشن خسرانه در آورد. ولی مهرگان که جشن باستانی توده نداشت به توده های ایران و به سخنگوی واقعی آنها - حزب توده ایران مطابق و از آنال انفکاک ناپذیر است.

امپریالیسم آلمان غربی

مواضع خود را در ایران مستحکمتر میکند از ۱۸ تا ۲۱ شهریور ماه کیزینگر صدر اعظم آلمان غربی در ایران بود. کیزینگر سال گذشته هم به ایران سفر کرد. ولی مسافرت اخیر به ایران و ترکیه و افغانستان، یعنی سه کشور هم مرز با اتحاد شوروی، بلافاصله پس از حوادث چکوسلواکی دارای اهمیت خاصی است.

تلاش برای جبران عقب ماندگی از رقبا ایران بعنوان یک کشور نفت خیز و یک بازار مناسب همیشه مورد توجه خاص امپریالیسم آلمان بوده است. آلمان امپراطوری، آلمان هیتلری و آلمان فدرال هر یک بشیوه خود ولی همواره با یک هدف یعنی غارت دنباله در صفحه ۵

پاسخ حزب زحمتکشان ویتنام

به نامه تبریک حزب ما کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست و سومین سال استقلال ویتنام شمالی نامه تبریکی به کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام ارسال داشته بود. اینک تلگراف جوابیه حزب زحمتکشان ویتنام:

به کمیته مرکزی حزب توده ایران از تبریک شما بمناسبت بیست و سومین سالگرد استقلال ما و از پشتیبانی گرم شما از مبارزه ما علیه تجاوز امریکا و در راه آزادی ملی، از طرف زحمتکشان ویتنام، طبقه کارگر و تمام مردم ویتنام صمیمانه تشکر میکنیم. باشد که دوستی بین احزاب ما و خلقهای ما بیش از پیش گسترش و تحکیم یابد.

کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

مهرگان را بویای

لذا این جشن دو بار در نزد ما فرخنده است. و عزیز بداریم. نصیحت از آنجهت که جشن باستانی مردم سوزمین ایران است. خود از آنجهت که جشن بنیاد حزب توده ایران است و بوسیله این حزب اعیان شده است. بنا دارد ما این جشن را مانند جشنی گرمی برای داریم. و در آن از حزب توده ایران و تاریخ غنی و پرفخرش یاد کنیم. در ایام باستان ایرانیان جنوب کشور مهر را آغاز سال میشمردند و ایام مهر را ایام آفرینش، جهان میدانستند. تقریباً مانند مسیحیان که سال را از زمستان مبداء میکنند و آنرا با میلاد مسیح با اختلاف اندکی مطابقت میدهند. ولی نوروز برای اکثریت مردم به مثابه آغاز سال مورد قبول واقع شده است. اما جشن مهرگان را ما میخوانیم مبداء و سرآغاز پیمایش یک جنبش وضع کرده ای. مبارز نوین انقلابی در تاریخ ایران. جنبش توده ای. این شکل در تحول سیاسی جامعه کشور ما تأثیر داشته و در آینده بیش از گذشته خواهد داشت. این نیز خود مبداء آفرینش است و تنها نه آفرینش پنداری جهان بلکه آفرینش واقعی جامعه نظام نوین.

حزب توده ایران و جنبش توده ای از پایه ای برقرار از اجزای مثبت و منفی تلخ و شیرین دارند که وظیفه مقدس نسل نوین انقلابیون آموختن آن

پیروزی درخشان ستاره های ورزش ایران در مسابقات المپیک

بطوریکه خوانندگان ارجمند «مردم» اطلاع دارند، ورزشکاران ایران در المپیک سال ۱۹۶۸ که در شهر مکزیکو برگزار شد با وجود قلت نوزاد بدنیافت دو مدال طلا، یک مدال نقره و دو مدال برنز نائل آمدند. این کامیابی ورزشکاران ایران که در نبردی بزرگ با جریفان جهانی نیزومند بدست آمده است، نشان میدهد که علیرغم محیط نامساعد ورزش در ایران، محدود بودن دامنه ورزش، بی اعتباری به کشف و جلب نیروهای بالقوه نسل جوان در شهرها و روستاها، رواج فساد و بوروکراسی در سازمانهای ورزشی، خف و میلهای تبعیضها، استعمار کشتیها و بویژه ناهنجاری رفتار متصدیان رژیم نسبت به ورزشکاران که نمونه بارز آن مرگ پر از ابهام «تختی» قهرمان محبوب است، بجه ذخایری از استعدادها در میان توده جوانان ما نهفته است.

ما پیروزی درخشان ستاره های ورزش ایران را که علیرغم همه دشواریها برای میهن و هم میهنان خود کسب افتخار نموده اند صمیمانه تبریک میگوئیم و آرزو میکنیم که مبارزه جوانان ورزشکار و ورزش دوست برای برانداختن موانع موجود در راه پیشرفت ورزش و بسط دامنه ورزش سرین موفقیت گردد و زمینه را برای پیروزیهای درخشان تر ورزشکاران ما تأمین نماید.

در باره انتخابات انجمن شهر

مجری تصمیمات و برنامه های حزب خواهند بود « همین روزنامه میگوید : « مبارزه حزب مردم با حزب اکثریت و جوارگونی حزب ایران نوین به مردمیها در میان مردم نوعی جنگ زرگری تلقی شده و مطمئن میگویند که سهمیه حزب مردم در انتخابات انجمن شهر قبلاً تعیین شده .»

از این قبیل مطالب و اخبار که نشان دهنده ماهیت این انتخابات و نظائر آن است در روزنامه ها و مجلات فراوان است . در حقیقت این انتخابات هم نظیر انتخابات مجلس شورا و ستایش از یک صحنه سازی مضحک نیست که بدست همان بازیگران اجرا میشود .

مردم در فرهنگ لغات حکومت ایران دو نوعند یکی میلیونها نفر که کار متعلق به آنهاست و دیگری گروههایی که کار بدست آنها داده میشود . وقتی گفته میشود کار مردم را بدست مردم بسپارید باین معنی است که کار آن میلیونها را باین گروهها بسپارید . البته کارهای مردم گوناگون است ، برحسب نوع آنها گروههایی که باید کارها بدینها سپرده شود تغییر میکنند اگر کار مربوط به اداره کارخانه های دولتی یعنی مؤسسات متعلق بوزروا شام و صاحبان سرمایه دار ، اگر کار قانونگذاری است باید بدست نمایندگان و سناتورهای دستوری و اگر هم کار مربوط بامور جاری زندگی مردم از معیشت و بهداشت و فرهنگ در یک شهر است آنرا هم باید بگروه مشخصی از ساکنان شهر که یا جزء طبقات حاکمه و یا وابسته بان هستند سپرد . شماز و گداری کار مردم ب مردم که عوام فریبانه از طرف حکومت ایران داده میشود قبل از هر چیز اقرار باین واقعیت غیر قابل انکار است که بهر حال تا کنون کارهای مردم بدست خودشان نبوده است حال باین دلیل که آیا غاصبان حقوق مردم واقعا میخواهند آنها را بصاحبانشان بسپارند؟ مسلماً خیر این رژیم که بر محور استبداد میچرخد از مردم واهمه دارد و بهیچ قیمتی حاضر نیست که نمایندگان منتخب مردم حتی در امور مربوط بشهرداری دخالت کنند . آنچه رژیم میخواهد دادن رنگ و آب دموکراسی و مردم خواهی به پیکره استبداد و حکومت مطلقه خویش است . این سیاست که شالوده آن دزد و ریاکاری است در سراسر اعمال رژیم منعکس است و مردم هم خوب آنرا دریافته اند . باین جهت است که با اسلحه مقاومت منفی نقشی را که رژیم میخواهد بآنها تحمیل کند ، خنثی میکنند . رژیم میایل است که در انتخابات مجلس شورا ، مؤسسان و هر نوع انتخاباتی مردم از خود جنب و جوش نشان دهند و به حوزه های انتخاباتی هجوم بیاورند ولی هنگام انداختن رأی بصندوق ورقه حاضر و آماده ای را که مأموران سازمان امنیت و با بصورت حزبی بگویند « فعالین حزب ایران نوین و مردم » بآنها میدهند بصندوق بیاندازند . توده

کنار میکشند . « مجله خواندنیها شماره ۹۸ منتقل از روزنامه دیلمت در باره نظر مردم نسبت به اینگونه انتخابات چنین مینویسد : « لایقید و عدم اعتنای بامر مهم تشکیل انجمن های شهر مقرون بسوابق گذشته و نحوه انتخابات نمایندگان قوه مقننه بوده که متأسفانه مواعید مصادر امور هم نتوانسته است جامعه را بصحت انجام آن معتقد سازد .»

ما در مورد لزوم تشکیل انجمن شهر و انتخاب شهرداران بطرزی دموکراتیک و همچنین لزوم تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی نه تنها هیچگونه مخالفتی نداریم بلکه تشکیل این انجمنها را جزء لاینفک رژیم مشروطیت ایران میدانیم که در قانون اساسی ایران پیش بینی شده است . اما در کیفیت انتخابات در میزان قدرت و صلاحیت این انجمن ها ، همانقدر با رژیم موجود مخالفت داریم که نسبت بخود رژیم . ما شرط اول هر گونه انتخاباتی را وجود محیطی آزاد مبری از ترس و بیم و دور از هر گونه محرومیت صنفی و طبقاتی و جنسی و مذهبی میدانیم . ما دخالت دولتها را در هر گونه انتخاباتی از جمله انجمن های شهر نقض حقوق مردم و نقض قانون اساسی میشماریم . در کشور ما از آزادی اثری نیست و وقتی آزادی نباشد انتخابات نیز انتخابات مفهومی ندارد . کوشش حکومت ایران برای ایجاد فرمایشی بدون محتوی و دادن شعارهای درون تهی نمیتواند ذره ای از این واقعیت را پنهان کند که رژیم ایران رژیمی ضد دموکراتیک است . تغییر چند نفر فرماندار یا بخشدار تحت عنوان « دخالت در انتخابات انجمن شهر » یا نطق غرایی وزیر کشور داور به « آزادی انتخابات » و یابازی موش و گربه احزاب دولتی بعنوان مبارزه انتخاباتی همه برای پوشاندن چهره ضد دموکراتیک و ضد خلقی رژیم است . انجمن های محلی چه مربوط بشهرداری و چه ایالتی و ولایتی باید سبکراهی باشند که در آنها نمایندگان توده مردم بتوانند بر اعمال و افعال مأموران دولتی نظارت کنند و سرنوشت مردم را از لحاظ معیشت ، بهداشت و فرهنگ در دست بگیرند چنین سنگر هائی را که تاثیر آنها میتواند از حد امور محلی تجاوز کند و سیاست کلی داخلی کشور را تحت نفوذ قرار دهد ، رژیم مطلقه بالاخرت بدست مردم نخواهد داد اشغال هر سنگری از سنگر انجمن شهر گرفته تا سنگر پارلمان مستلزم مبارزه بی امان است ، مبارزه ای که در آن باید اکثریت مردم شرکت نمایند .

۱ . درود

جزوه سوم از جلد اول « سرمایه »

منتشر شد . بهاء ۴۰ ریال

صفحه سرود ها منتشر شد

این صفحه حاوی سرود های اول و سوم و چهارم حزب و یک بند از سرود انترناسیونال و یک بند از سرود جهانی جوانان میباشد . بهاء ۷۵ ریال و در خارج از ایران یک دلار و یا معادل آن .

«شعله جنوب»

منتشر شد

شماره یازدهم « شعله جنوب » ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران اخیراً منتشر شده است . سر مقاله این شماره به اول ماه مه روز بین المللی کارگران اختصاص دارد . در این مقاله چنین گفته شده است : « ... روز اول ماه مه در کشور های سوسیالیستی شاهد قدرت و عظمت و تکنیک و شور و شرف استعمار شاهد امید و در قزل قلعه و زندانهای یونان و ویتنام جنوبی ، رودزیا و دیگر کشور های سر سبز و وابسته شاهد تلاش بیکر زحمتکش جهان هستیم ... طبقه کارگر ایران ، بالاخص کارگران خوزستان با شم سیاسی و ایمان طبعی خود میدانند که رژیم مغفور کودتا ، بزرگترین دشمن مردم و عظیم ترین عامل بدبختی و اسارت خلقهای ایران است و با علم و یقین باین مسائل و درک عمیق حقایق ، به سن بین المللی کارگران وفادار است و در هر شرایط غیرغم تمام حیل و دسائس رژیم و به رغم ارباب و وحشت امسال نیز مانند سالهای پیش در همه جا دور هم جمع میشوند مسائل و خواسته های خود را در میان میکنند همستگی ها و سوگند های خود را تجدید میکنند و در راه احیاء سازمانهای صنفی و سیاسی خویش مصمم تر میشوند .»

در مقاله ای دیگر تحت عنوان « از جنجال تبلیغاتی ، تا واقعیت زندگی دهقانان ، مبارزات گذشته و حال دهقانان برای زمین و علیه اربابان فئودال و مأموران دولتی تصویر شده است . بخصوص از تحمیلات گوناگون سازمان عمران روستائی خوزستان به دهقانان بیبانه اجرای « طرح آبیاری دز » یاد شده و پس از اشاره به گذران دشوار دهقانان و پرداختهای سنگین آنان تحت عنوان قسط زمین ، بهره وام ، مال الاجاره ، آب بها ، قیمت شخم زمین ، بهای بنر گفته میشود : « با تبلیغات نمیتوان شکم مردم گرسنه را پر کرد و فریاد آزادیخواهان را خاموش ساخت . با طرح بدون اجراء و پوشالی نمیتوان انقلاب کرد ، زیرا فرق است بین انقلابی که شاه مدعی طرح و اجرای آنست و آنچه واقعا انقلاب نامیده میشود . زیرا انقلاب دگرگونی روابط و مناسبات اقتصادی و نابودی کامل طبقات بهره کش بسود طبقات بهره ده در شرایط معین تاریخی میباشد »

در مقاله ای تحت عنوان : « بطوریکه و همه جانبه فن ینهانکاری را بیاموزیم » به مبارزاتی که در شرایط دشوار کنونی به پیکار انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه میدهند توصیه ها و رهنمود های مفیدی شده است . شمار های کمیته های مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز اول ماه مه و پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به خلقهای

دنباله از صفحه ۱

امپریالیسم آلمان غربی مواضع خود را در ایران مستحکمتر میکند

منابع ثروت و نتیجه دسترنج مردم میهن ما، فعالیت در عرصه اقتصاد ایران پرداخته اند. کودتای ۲۸ مرداد که خوان یغما را برای همه دول امپریالیستی گسترده امکانات جدیدی نیز برای توسعه نفوذ اقتصادی امپریالیسم آلمان غربی فراهم آورد. بدست آوردن مقام اول و یا دوم در بازار گامی خارجی ایران، سرمایه گذاری در بانکها (که برای نخستین بار انجام گرفته) شرکت در اجرای برخی از طرحهای سازمان برنامه، دست یافتن به منابع نفت ایران (که برای نخستین بار انجام گرفته) نمونه هایی از مواضع تازه ای است که امپریالیسم آلمان غربی در اقتصاد ایران بدست آورده است.

حولی در سالهای اخیر یعنی در دوران رشد سریع سرمایه داری در ایران انحصار گران آلمان غربی در زمینه سرمایه گذاری از رقبای انحصار گر امریکائی و انگلیسی و فرانسوی و ژاپنی و غیره عقب ماندند. یکی از هدفهای عمده تلاش تب آلود اخیر محافل آلمان غربی برای جبران این عقب ماندگی است.

کیزینگر طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفته است که «صنایع آلمان در دو زمینه بخصوص ممکن است نسبت به امر سرمایه گذاری در ایران علاقه بیشتری نشان دهند: (۱) سرمایه گذاری در بهره برداری از مواد خام (۲) ایجاد یک واحد قوی صنعت پتروشیمی». و روزنامه «مردمبارز» از قول «محافل سیاسی» نوشت: «کمک های آلمان غربی به طرح های کشاورزی ایران بیش از اعتباراتی است که برای تأسیسات اقتصادی و فنی اختصاص داده خواهد شد. سخن دیگر آلمان غربی سیاست همیشگی خود را مبنی بر مخالفت با ایجاد صنایع سنگین در ایران (که بهترین نمونه آن خرابکاری در ساختن کارخانه ذوب آهن بود، با اینکه ساختن آنرا قبل از همه بعهده گرفته بود) ادامه میدهد و مایل است فقط در کشاورزی و بهره برداری از مواد خام سرمایه گذاری کند. سرمایه گذاری در صنایع پتروشیمی هم موافق با آرزوی دیرینه امپریالیسم آلمان برای تسلط هر چه بیشتر منابع نفت ماست و در ضمن آینده هم دارد. خصلت غارتگرانه سرمایه گذاری در رشته های مورد علاقه راهم خود کیزینگر صریحاً گفته است: «میزان سرمایه گذاری آلمان بهر حال بستگی به قدرت دولت ایران در تشویق سرمایه گذاری آلمانی در ایران دارد. زیرا این سرمایه گذاران تاجران و علاقه آنان پولسازی است.» بنظر ساده تر دولت ایران باید بهترین و بیشترین امکانات را برای بدست آوردن سودهای کلان فراهم کند، در غیر اینصورت از سرمایه گذاری آلمان غربی خبری نیست.

بریم گویی ایران که علاقمند کردن تمام دول امپریالیستی را در اقتصاد و سیاست ایران برای بقا خود لازم میداند و علاوه بر این

بخشی از محافل حا که ایران در گذشته پیوند نزدیکی با امپریالیسم آلمان غربی داشته اند و دارند، این «نگرانی» را بر طرف کرده است. شاه در مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه نگاران آلمان غربی گفت: «کمک بکنوع سرمایه گذاری است که باز دمی خوبی عاید آلمان میکند. شما میتوانی در همه شئون با ما همکاری کنید و در راه بروی این قبیل همکاری ها باز است. مسئله اینست که شما در این امر از دیگران عقب نمانید بلکه حتی بکوشید تا قدری هم جلو بیفتید.» و برای آنکه نشان داده شود که حرفهای شاه پشتوانه دارد در همان روز ورود کیزینگر قرارداد یک وام مبلغ ۸۰۰ میلیون ریال بین سازمان برنامه و آلمان غربی به امضا رسید و دولت ایران تقاضا کرد آلمان غربی تا مبلغ ۸۴۰ میلیون مارک در اجرای برنامه پنجساله چهارم سرمایه گذاری کند. این مبلغ معادل ۴۵ درصد کل سرمایه گذاریهای خارجی در برنامه چهارم است. با توجه بر قبای امپریالیست دیگری که وجود دارند، رشوه از این بیشتر نمیشود.

شاه ضمناً در همان مصاحبه گفته است: «هیچیک از ما از دیگری شکایت نداشته ایم. ما از شما زبان ندیده ایم و شما نیز از ما زبان ندیده اید. و در نتیجه مناسبات ما همیشه متقابلاً مبربخش بوده است.» این حرف درست است اگر بجای «ما» طبقات حا که ایران و بجای «شما» انحصار گران آلمان غربی را بگذاریم. هر دو شرایط غارت را برای هم فراهم میکنند. غارت مردم ایران و منابع ثروت آنها. ولی اگر اینطور است آنوقت دیگر آن «سیاست مستقل ملی» که گویا هدفش تأمین استقلال و پیشرفت اقتصادی و رفاه مردم ایران است حرفی تو خالی و ادعائی بی پایه از آب در میاید. زیرا غیر ممکن است بتوان «پولسازی» سرمایه داران بیگانه را با منابع میهن و مردم ما یکی دانست.

ن تلاش برای تشدید یک سیاست تجاوزکارانه خصلت تجاوزکارانه امپریالیسم همیشه در امپریالیسم آلمان برجستگی خاصی داشته است. دو جنگ جهانی که از خاک آلمان برخاست تأییدی است بر این واقعیت. اینکه امپریالیسم آلمان که از دو شکست و بوزخ سقوط نازیسیم، محصول شوم خود، درس عبرت نگرفته، دوباره در وجود جمهوری فدرال آلمان سر بلند کرده است و بهمان سیاست تجاوزکارانه خود ادامه میدهد. آلمان غربی با ادعای نمایندگی تمام ملت آلمان، که معنی اش تلاش برای از بین بردن جمهوری دمکراتیک آلمان است، با ادعای ارضی از لهستان، چکوسلواکی و اتحاد شوروی، با تلاش برای بدست آوردن سلاح اتمی، با ایفای نقش مهم در پیمان تجاوزکارانه «ناٹو»، با تحریک و توطئه بر ضد کشور های سوسیالیستی در اروپای شرقی به بزرگترین خطر برای صلح در اروپا مبدل

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه جلسات گروه کار و کمیسیون تدارک حزب کمونیست اکوادور، حزب پيشاهنگ سوسیالیستی الجزیره، حزب کمونیست ایالات متحده امریکا، حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست اووگوئه، حزب توده ایران، حزب کارگر ایرلند، حزب کمونیست

شده است. آلمان غربی با پشتیبانی کامل از سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در صحنه جهانی، از جمله در ویتنام، پس از امریکا عمده ترین نیروی ارتجاعی در سراسر جهان است. امپریالیستهای آلمان غربی که هنوز خواب «آلمان بزرگ» را می بینند، مطمئن ترین و قوی ترین دستیار امپریالیسم امریکابر ضد صلح جهانی و آزادی و استقلال ملتها هستند.

هدف عمده سیاسی سفر کیزینگر، بلافاصله پس از حوادث چکوسلواکی، به سه کشور هم مرز اتحاد شوروی، بوزخ ایران و ترکیه که عضو پیمانهای نظامی امپریالیستی هستند، برای آن بود که دوباره افسانه «تهدید شوروی» را برای زمامداران این کشورها تکرار کند و آنها را که تحت فشار واقعیات و قبل از همه بعلمت سیاست صلحجویانه و مبتنی بر احترام به استقلال و تساوی حقوق ملتهای اتحاد شوروی، گام هائی در راه بهبود روابط خود با اتحاد شوروی برداشته اند، دوباره به سیاست جنجگ سرد و سیاست تقویت بلوک بندیهای نظامی امپریالیستی بر ضد اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی بکشاند.

از مذاکرات سیاسی بین کیزینگر و شاه و نخست وزیر مطلبی فاش نشده است. ولی وقتی «اطلاعات» از روزنامه «پراودا» (که سفر کیزینگر را یک «مأموریت بد خواهانه» نامیده) گله میکند، وقتی بقول «اطلاعات» محافل نزدیک روابط ایران و آلمان نتایج مسافرت صدر اعظم آلمان را «مثبت» و «ثمر بخش» ذکر کردند، در حالی که همه میدانند دو دولت آلمان وجود دارد، که یکی از آنها در وجود جمهوری دمکراتیک آلمان، نخستین دولت سوسیالیستی ملت آلمان است، و با اینکه در اعلامیه رسمی همه جا فقط از «آلمان» صحبت میشود، آنوقت میتوان دریافت که آن سیاست تجاوزکارانه ای که از طرف آلمان غربی دنبال میشود مورد تأیید دولت ایران است. و همه اینها را هم باز ناشی از «سیاست مستقل ملی» میدانند.

ولی نمیتوان در جنجگ سرد آلمان غربی بر ضد اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی شرکت کرد، جمهوری دمکراتیک آلمان را ندیده گرفت و کانون جنجگ و تجاوز در اروپا یعنی آلمان غربی را «دوست» خواند و باز هم دم از «سیاست مستقل ملی» زد. این سیاستی است ضد ملی و ماجرا جوانانه. سیاستی است که نه فقط بر زبان عالیترین مصالح ملت ایران است، بلکه دود آن بچشم طراحان و مجریان آن نیز خواهد رفت.

دنباله در صفحه ۴

ایرلند شمالی، حزب کمونیست برزیل، حزب سوسیالیست متحد برلن غربی، حزب کمونیست بریتانیای کبیر، حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست بولیوی، حزب کمونیست پاراگوئه، حزب کمونیست پرو، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست تونس، حزب کمونیست چکوسلواکی، حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست رونیون، حزب کمونیست رومانی، حزب کمونیست سالوادور، حزب کمونیست سان مارینو، حزب کار سویس، حزب کمونیست سوئدان، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست فنلاند، حزب ترقیخواه توده زحمتکش قبرس، حزب پيشاهنگ توده کستاریکا، حزب کمونیست کلمبیا، حزب کار گواتمالا، حزب کمونیست گوادلوپ، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست لوکزامبورگ، حزب متحد کارگری لهستان، حزب کمونیست مارتینیک، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، حزب آزادی و سوسیالیسم (مراکش)، حزب انقلابی توده مغولستان، حزب مکزیک، حزب کمونیست ونزوئلا، حزب وحدت تودهای هائیتی، حزب کمونیست هندوراس، حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست یونان.

عدمائی از احزاب که نمایندگان آنها بعلم مختلف نتوانسته بودند به جابه بیابند برای کمیسیون تدارک نامه فرستاده بودند. کمیسیون تدارک گزارش اطلاعاتی مربوط به جریان کار تدارک جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری را استماع کرد و آنرا تأیید نمود. پیرامون مسائل مربوط به جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری بحث و مذاکره صورت گرفت. شرکت کنندگان در جلسات کمیسیون تدارک ضرورت تشکیل جلسه مشاوره جهانی را بمنظور بررسی وظائف مبارزه علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و در راه تأمین وحدت عمل احزاب کمونیست و کارگری و تمام نیرو های ضد امپریالیستی با اتفاق آراء تأیید کردند.

شرکت کنندگان در جلسات کمیسیون تدارک قرار گذاشتند که جلسه بعدی کمیسیون تدارک را روز ۱۷ نوامبر سال جاری در بوداپست تشکیل دهند و در آن در باره مسئله تاریخ تشکیل جلسه مشاوره جهانی را مطلوب شمرزند و تصمیم گرفتند در باره این مسئله با کمیته های مرکزی احزاب خود مشورت کنند. جلسات گروه کار و کمیسیون تدارک در محیط تبادل نظر آزاد رقیفانه صورت گرفت و بار دیگر تعامیل احزاب برادر را به توسعه بیش از پیش همکاری بر بنیاد مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری نشان داد. بوداپست، اول اکتبر سال ۱۹۶۸

دو اعلامیه

اخیراً تشکیلات تهران و تشکیلات خوزستان حزب توده ایران در تأیید اقدام پنج کشور عضو پیمان ورشو اعلامیه هائی منتشر نموده اند که خلاصه ای از آنها را برای اطلاع خوانندگان مردم نقل میکنیم :

در اعلامیه تشکیلات تهران چنین میخواهیم :

امیرالیستهای امریکائی که سردمدار سرکوب نهضتهای آزادیخواهانه در جهانند ، با این احساس که کمونیسم یک عارضه موقتی است و در دوران آرامش میتوان این عارضه را بطریق رخنه کبری و ایجاد دستبسته از بین برد ، مدتها قبل سنگر آزمایش خود را در اروپای شرقی گسترده اند و کوشش میکنند که از روحیه انحرافی برخی جوانان که در قالب اجتماعی هر یک از کشورها وجود دارد استفاده کرده و راه بازگشت به قلمرو گذشته را برای آنها باز کنند . با نفوذ عوامل « سیا » و « انتلیجنت سرویس » در قلمرو کشور سوسیالیستی چکوسلواکی مرزهای آن کشور حریم امنیت خود را از دست داد . تشکیلات تهران حزب توده ایران اقدام مثبت اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو را در واقعه چکوسلواکی مورد بررسی و ارزیابی منطقی قرار داده و مورد تأیید همه جانبه قرار میدهد و آنرا اقدامی درست ، برحق و عادلانه میدانند که حفظ و تحکیم دستاوردهای سوسیالیستی را در چکوسلواکی امکانپذیر ساخت .

تشکیلات خوزستان نیز در اعلامیه منتشره چنین میگوید :

«... امیرالیستهای امریکائی وانگلیسی بدستکاری انتقامجویان و بازماندگان فاشیست های هیتلری با نفوذ در برخی از جوانان گمراه و آوارشست و عدهای از ضدانقلابیون چکوسلواکی کوشش داشتند که راه رشد و توسعه سوسیالیسم را سد کرده و زیر لوای بازگشت به دموکراسی ، چکوسلواکی را از جرگه خانواده سوسیالیستی جدا سازند . . . جالب اینجاست که امیرالیستهای امریکائی که در ویستام مدارس و بیمارستانها را بمباران میکنند و مزارع و کشتزارها را با بمب نابالم از تولید و کشت بی بهره میسازند و آنها که در دومینیک و در خاور میانه با توطئه مستقیم و یا با کمک ابادی ، آثار زندگی را میزدایند ، در ایران کودتای ۲۸ مرداد راه ماندازند ، در یونان مشتی سرهنگ آدمکش را بر جان و مال و ناموس مردم مسلط میگردانند ، در امریکا آزادیخواهان و سیاهان را به شلاق و گلوله می بندند حال به ناله در آمده و سعی در تقبیح عمل شوروی و اعضای پیمان ورشو دارند غافل از اینکه همین تبلیغات امیرالیستی خود دلیل بر حقانیت و اثبات عمل اتحاد شوروی است .

تشکیلات خوزستان حزب توده ایران عمیقاً اعتقاد دارد که اقدام شوروی و سایر اعضای پیمان ورشو در واقعه چکوسلواکی

از ادعا تا واقعیت

درباره مبارزه با بیسوادی در ایران

روز اول مهر زنگهای مدارس صدا در آمد ولی مانند سالهای پیش دهها هزار کودک ایرانی همچنان پشت در مدارس ماندند . هزاران کودک ایرانی بیعلت نبودن مدرسه و بسیاری دیگر بیعلت نبودن جا و لزوم پرداخت شهریه های سنگین توانستند یا به مدرسه بگذارند . اشرف پهلوی اخیراً در دومین اجلاس کمیته مشورتی بین المللی بیکار با بیسوادی از اقدامات وسیعی که در ایران به رهبری شاه برای مبارزه با بیسوادی صورت میگیرد یاد کرده است . وی در سخنرانی خود میگوید :

ایران پرچم جهانی مبارزه با بیسوادی را در دست گرفته است . ایران پیشقدم است پیشقراول است . ایران حاضر است تجربیات خود را در مبارزه با بیسوادی در اختیار جهانیان قرار دهد . اشرف پهلوی در سخنرانی خود برای ۷۰۰ میلیون مردم جهان که در بیسوادی مطلق مانده اند و کسی بفکر آنها نیست گریسته است . او خطاب بشرکت کنندگان در دومین اجلاس کمیته مشورتی بین المللی بیکار با بیسوادی میگوید ایران حاضر است کادر های خود را برای مبارزه بین المللی با بیسوادی تجهیز کند . باید پرسید که اشرف پهلوی سخنگوی کدام کشور است ؟

به آمار زیر که از شماره های ۲۰ خرداد ۱۳۴۶ و پنجم فروردین ۱۳۴۷ روزنامه اطلاعات گرفته شده است توجه فرمائید اطلاعات مینویسد در نتیجه سرشماری آبانماه ۱۳۴۵ روشن شد از ۲۵ میلیون و ۷۸ هزار و ۹۲۳ نفر جمعیت ایران ۱۸ میلیون و ۸۷۷ هزار و ۶۰۰ نفر آنها را افراد هفتسال بیالفا تشکیل میدهند . از این عده فقط پنج میلیون و ۶۰۱ هزار و ۷۰۰ نفر سواد دارند ، ۱۲۶۹۳۶۰ نفر بیسوادی عده ای نیز فقط میتوانند بخوانند . بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۴۵ فقط ۲۹٫۴ درصد افراد از هفتسال بیالفا در ایران سوادخواندن و نوشتن دارند و بقیه یعنی هنوز بیش از ۷۰ درصد در بیسوادی مطلق بسر میبرند . در همین آمار میخواهیم که نسبت تحصیلی برای سنین پانزدهم یعنی از هفت تا یازده سال در تمام کشور ۴۹٫۶ درصد است و باین ترتیب هنوز ۵۰ درصد اطفال واجب التعلیم بدرسه نمیروند . وضع کودکانی که به مدرسه رفته اند چگونه است ؟ کیهان نوشته است : ما بهشت هزارمدرسه و ۷۰ هزار آموزگار در رشته های مختلف نیازمندیم .

که بدون خونریزی و در جهت روشن کردن و ارشاد خلق برادری انجام گرفته است عملی منطقی و در جهت حفظ و تحکیم دموکراسی و سوسیالیسم در چکوسلواکی و کاملاً عادلانه و بر حق بوده است . ما اعتقاد داریم که نایستی به نیروهای ضد انقلابی امکان داد که در ازدوگانه سوسیالیسم رخنه کرده و موجبات تفرقه و جدائی را فراهم آورند .

اکثر مدارس ابتدائی و متوسطه معلم ندارند . در بعضی از کلاسهای درس بیش از ۱۰۰ تا ۱۵۰ شاگرد را مانند قوطی ساردین کنار هم چیده اند آموزگاران مدارس که از لحاظ قانونی باید فقط ۲۰ تا ۲۲ ساعت در هفته تدریس کنند اغلب مجبورند ۴۸ تا ۵۰ ساعت در هفته کار کنند . در اینجا درباره کتابهای درسی و سیستم کهنه آموزش و پرورش راه و روشهای نادرست تعلیم و تربیت ، سوء استفاده های کلانی که صورت میگردد و بهر داندن عمر گرانه های جوانان سخنی نمیگوئیم . صحبت بر سر دعاوی سران رژیم در مبارزه با بیسوادی و نشان دادن سیمای رژیم است که خود را پرچمدار این بیکار میخواند .

در سالهای اخیر بهمت گروهی از جوانان ما در روستاهای دور و نزدیک کشور تلاشی قابل توجه برای مبارزه با بیسوادی صورت میگیرد . ولی با در نظر گرفتن سیاه عظیم بیسوادی ، زشد ۲۵ درصد جمعیت کشور در سال ، نبودن وسائل آموزشی و پرورشی برای تمام کودکان لازم التعلیم ، عقب ماندگی روستاها ، نداشتن وسیله و حتی سر بنهایی برای تعلیم کودکان و بزرگسالان کوشش این جوانان بجای نمی رسد . گردانندگان سیاه دانش ادعا میکنند که تا کنون بهمت جوانان بیش از دو میلیون نفر با سواد شده اند اگر این رقم درست هم باشد نمیتواند افتخار آمیز باشد چرا که بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۴۵ ، ۷۰ درصد بزرگسالان در کشور ما بیسوادی . هر سال نیم میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده میشود و هر سال بیش از ۵۰ درصد کودکان لازم التعلیم پشت در مدارس میمانند . این واقعیت نشان میدهد که سیاه دانش علیرغم کوشش جوانان آن قادر نیست این معضل بزرگ اجتماعی را از میان بردارد .

موضوع مهم دیگری که ننگ کس آن ضروریست معلوما نیست که دانش آموزان سیاه دانش کسب میکنند . این معلومات در سطح نازل و بسیار اندک است . تجربه نشان داده است که در مدت ۱۴ ماه بدون وجود شرایط لازم و وسیله کافی نمیتوان خواندن و نوشتن آموخت . تازه اکثر کارشناسان فرهنگی ایران اعتراف کرده اند که سیاهباز دانش بغل گوناگون در مدت ۱۴ ماه اقامت خود در دهات جز چند ماه تسلیم بیسوادی نمیگردانند بر فرض که دانش آموزی ۱۴ ماه مدرسه خواند وقتی وسیله ادامه تحصیل برای او در ده وجود ندارد چه بهره ای از سواد جزئی ، ناقص و سطحی خود بر میگیرد ؟

کشور ما با حرف پرچمدان مبارزه با بیسوادی است . با حرف قهرمان اصلاحات ارضی است با حرف ما از اروپا پیش افتاده ایم و با حرف گردانندگان رژیم برای هر یک از مردم کشور ما کاخی از عاج ساخته اند . حزب توده ایران پیوسته مدعی بوده است که رستخیز فرهنگی و آموزشی ایران تنها میتواند محصول انقلاب اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور باشد ، تا چنین نشود گفتگو از رستخیز فرهنگی و آموزشی گفته گویست عبث ، دروغ و عوامفریبانه !

فرزاد

پخش تراکت در تهران

تشکیلات تهران حزب توده ایران بمناسبت جشن مهرگان و تصادف آن با بیست و هفتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران تراکت هائی حاوی خجسته باد بیست و هفتمین سال تأسیس حزب توده ایران ، مهرگان فرخنده باد ، حزب توده ایران مبارز راه آزادی و استقلال در تهران پخش نموده اند . این تراکتها حاوی شعار های دیگری از قبیل درود به ارانی و روزبه و همه شهدای حزب توده ایران ، درود به زندانیان سیاسی ، درود به پرویز حکمت جو ، علی خاوری ، صابر محمدا زاده و آصف رزم دیده ، ما آزادی زندانیان سیاسی را خواستاریم ، حزب توده ایران درخلل ناپذیر مبارزه ضد استبداد و ضد استعمار بوده اند .

دنباله از صفحه ۲

شعله جنوب منتشر شد

ایران بمناسبت تشکیل کنفرانس حقوق بشر در تهران از مطالب دیگر شماره اخیر «شعله جنوب» است .

در مقاله ای با عنوان « مرغ دزدان به لاشخوری رسیدند » ، آشفتهگی های سازمان تربیت بدنی و دزدبها و سوء استفاده های گردانندگان این سازمان که پیوسته زیر نظر شاه عمل کرده اند تشریح شده است . اخبار مربوط به زندگی کارگران در شهر های جنوبی ایران و نیز مقاله ای درباره خلیج فارس از مطالب دیگر این شماره از «شعله جنوب» است . موفقیت رققای رزمنده خود را در بیکار علیه امیرالیسم و ارتجاع و بخاطر سعادت خلقهای ایران آرزو کنیم .

دنباله از صفحه ۳

امیرالیسم آلمان غربی

سفر کیزینگر به ایران و نتایج سیاسی و اقتصادی آن هشدار جدیدی به محافل ملی و مترقی ایران است تا با مبارزه متحد خود دولت ایران را از تشدید وابستگی به امیرالیسم تجاوزکار آلمان غربی بازدارند و به رسمیت شناختن جمهوری دموکراتیک آلمان وادار سازند .

م . انوشه

تعمیر آدرس رادیو پیک ایران

هموطنان عزیز ! رفقای حزبی !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

پیروزی بزرگ ملت قهرمان ویتنام

سر انجام نبرد قهرمانانه مردم ویتنام و فشار نیروهای صلح‌دوست در سراسر جهان و از جمله در آمریکا به آنجا رسید که جونسون رئیس‌جمهوری آمریکا مجبور شد به پیشنهاد قطع بمباران ویتنام شمالی و قبول نمایندگی آن جنبه آزادیبخش ملی ویتنام برسر میز مذاکرات صلح تن در دهد. بوجه فرماتی که روز جمعه اول نوامبر صادر گردید، در ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه بمباران ویتنام شمالی قطع شد و از روز چهارشنبه ۶ نوامبر مذاکرات صلح با شرکت نمایندگان جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی، نمایندگان جنبه آزادیبخش ملی ویتنام، نمایندگان دولت ویتنام جنوبی و نمایندگان آمریکا، در پاریس آغاز میشود.

ویتنام جنوبی خارج کنند و ملت ویتنام را در تعیین سرنوشت خود آزاد گذارد. ما پیروزی خلق ویتنام را به مردم ویتنام و همه ترقیخواهان و صلح‌دوستان جهان تبریک می‌گوئیم و آرزو مند پیروزی‌های نوین برای این ملت قهرمان هستیم. ما بار دیگر همبستگی خود را با ییکار عادلانه خلق ویتنام اعلام میداریم و از همه میهن پرستان و ترقی خواهان ایران می‌طلبیم که همگام و همصدا با بشریت مترقی پشتیبانی خود را از خلق ویتنام تشدید کنند.

دنباله از صفحه ۱

نامه تبریک بمناسبت انقلاب کبیر اکثر

اتحاد شوروی در نظر جامعه ترقیخواه بشری مدافع نیرومند صلح، دموکراسی و سوسیالیسم است. اتحاد شوروی با قاطعیت و یگیری علیه تجاوز امپریالیسم و در راه امنیت و صلح در سراسر جهان مبارزه میکند.

کمک‌های گرانبهای اتحاد شوروی مردم قهرمان ویتنام علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا، اقدامات قاطعی که اتحاد شوروی همراه با سایر کشورهای سوسیالیستی برای

دفاع از دستاوردهای سوسیالیستی مردم چکوسلواکی در قبال دسائس ضد انقلاب و امپریالیسم بین‌المللی بعمل آورده، سیاست یگیری اتحاد شوروی در پشتیبانی از مبارزه مردم کشورهای عربی علیه تجاوز اسرائیل و حامیان امپریالیست آن، دفاع قاطع و کمک‌های مشخص اتحاد شوروی به جنبش‌های آزادیبخش ملی در سراسر جهان بارزترین نمودار وفاداری حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است.

مساعی خستگی ناپذیری که حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی در راه تحکیم و حفظ وحدت اردوگاه جهانی سوسیالیستی و جنبش کمونیستی و کارگری بغاظر پیروزی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بعمل می‌آورد مورد تأیید و پشتیبانی کامل حزب توده ایران است. مردم ایران اتحاد شوروی را دوست، پشتیبان و متحد صدیق خود در مبارزه برای تأمین استقلال و ترقی اجتماعی میهن خویش می‌شمارند.

حزب توده ایران مبارزه در راه بهبود هرچه بیشتر مناسبات ایران و اتحاد شوروی را با وظائف ملی و انترناسیونالیستی خویش هماهنگ میداند.

اتحاد شوروی - آفریده انقلاب کبیر اکثر بزرگترین تکیه‌گاه جهانی مبارزه علیه امپریالیسم و حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب لنین بزرگ پرچمدار مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است.

رفقای عزیز! در سالروز خجسته انقلاب اکتبر - جشن بزرگ طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر جهان، کامیابهای هرچه بیشتر شما را در مبارزه پر اوج تان برای

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت کشتارهای اخیر کردستان

طبق اخبار موثقی که از مجاری مختلف به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران رسیده است رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک حاکم در کشور ما به جنس و زجر و شکنجه و اعدامهای فردی و دسته جمعی تاز و وسیعی در سرتاسر کردستان دست زده است.

تنها در یکی دو ماه اخیر علاوه بر کشتارهای سابق ده نفر دیگر از هموطنان کرد ما بشرح زیر از طرف مقامات حاکمه ایران بقتل رسیده اند:

- ۱- ملا قادر لاجین در مهلباد بدار آویخته شد
- ۲- علی رحیمی در خانه تیر باران شد
- ۳- احمد مجید در مهلباد بدار آویخته شد
- ۴- محمد رسول در خانه بدار آویخته شد
- ۵- سین چل کوچ در جلدیان تیر باران شد
- ۶- حمزه مولود در اشانویه بدار آویخته شد
- ۷- یوسف حمزه در خانه تیر باران شد
- ۸- ملا حسن در مهلباد بدار آویخته شد
- ۹- ملا عبدالله در مهلباد بدار آویخته شد
- ۱۰- ملا آوار در مهلباد بدار آویخته شد

بلاوه هم اکنون عده زیادی از برادران کرد و آذربایجانی ما در شهرهای تبریز، رضائیه، مهلباد، اشنویه، قنده، وکان، منگور، لاهیجان، پیران دستگیر شده و در انتظار سرنوشت شومی هستند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران باین اعمال وحشیانه آشکارا و ضد ملی و ضد دموکراتیک مقامات حاکمه ایران شدیداً اعتراض میکند و از همه احزاب و گروه و شخصیتهای ملی و دموکراتیک دعوت میکند بهر وسیله‌ای که در اختیار دارند باهمال و حشیانه زور اعتراض کنند، مجازات مسئولین امر و آزادی همه زندانیان سیاسی را که در زندانهای ایران در زیر شکنجه‌های قرون وسطایی یا مرگ دست بگیریناند و بویژه آزادی همه کسانی را که اکنون در زندانهای کردستان و آذربایجان در انتظار سرنوشت شومی‌نشسته‌اند طلب نمایند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
آبان ۱۳۴۷

قطعه‌نامه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در باره فعالیت بین‌المللی حزب

جلسه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران از ۲۹ تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۸ تشکیل بود. پس از استماع گزارش هیئت دبیران در باره حوادث چکوسلواکی و موضع گیری حزب ما، قطعنامه زیر با تفاتی آراء تصویب نمود. عین گزارش در شماره آینده مردم، برای اطلاع خوانندگان گرامی انتشار خواهد یافت.

دنباله از صفحه ۶

بدون تفسیر

۳) اظهار نظر روزنامه «توفان» در باره روزنامه «توفان» پس از اخراج گروه سه نفری از «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» و پیوستن این گروه به روزنامه «توفان»

... روزنامه توفان توانست مشی روشن و بی‌تزلزلی تعقیب کند، دچار نوسان شدیدی بود و در عرض اینکه با دادن شعارها و ارائه خط مشی مارکسیستی - لنینیستی در صدد جلب مارکسیست - لنینیست ها و سایر انقلابیون ایران باشد به اعلام شعارهای عام دموکراتیک اکتفا میکرد... با وجود مبارزات درونی نسبتاً شدید هنوز فاقد مبنای ایدئولوژیک و سیاسی مارکسیستی - لنینیستی بود و بناچار تضادهای بسیاری دچار می‌آمد... تضاد برای انتخاب دوراهی که آیا توفان بشیوه متزلزل گذشته خویش ادامه دهد و یا صریحاً خط مشی مارکسیستی - لنینیستی انتخاب کند... شدت بسابقه ای یافت. نوساناتی که از شماره ۱۸ تا ۲۲ دوره دوم توفان در مطالب آن پیدا شد حاکی از این بود که گشاهی یک طرف تضاد و گشاهی طرف دیگر تعیین کننده راه میگردد... عناضری که از موضع گیری‌های انقلابی توفان خرسند نبودند گوشش میکردند گروه توفان را از داخل پراکنده سازند. تعطیل توفان و نفاق افکنی در داخل گروه نتایجی بود که از این فعالیت‌های اخلاک‌گراانه بدست آمد.

(از «توفان»، شماره ۲۲، دوره سوم، مرداد ۱۳۴۷)

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش هیئت دبیران را در باره موضع حزب توده ایران در حوادث چکوسلواکی، در باره جلسه تدارکی کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری مورد مطالعه و مباحثه قرار داد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش مزبور را مورد تأیید کامل قرار داده به هیئت دبیران مأموریت میدهد که این گزارش را منتشر سازد. هیئت اجرائیه با خرسندی اطلاع یافت که موضع گیری هیئت دبیران و اعلامیه‌های کمیته مرکزی مورخه دوم و هفتم شهریورماه ۱۳۴۷ از طرف سازمانهای حزبی مورد تأیید قرار گرفته است این امر حاکی از رشد آگاهی طبقاتی و ایمان انترناسیونالیستی اعضای حزب ما است.

هیئت اجرائیه به هیئت دبیران مأموریت میدهد که با اقدامات خود در جهت تهییم و توضیح باز هم دقیقتر موضع حزب ادامه دهد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران صمیمانه امیدوار است که هر چه زودتر موجبات غلظی شدن اوضاع چکوسلواکی فراهم آید و حزب برادر کمونیست چکوسلواکی بتواند بر مشکلات موجود در جهت تحکیم رهبری طبقه کارگر و حزب آن فائق آید. هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران متعقد است که هم پیوستگی و تحکیم هر چه بیشتر اردوگاه سوسیالیستی شرط ضروری موفقیت کلیه نیروهای مترقی جهان و از جمله نیروهای پیشرو کشور ما در مبارزه علیه امپریالیسم و انترجاع است.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران موضع هیئت نمایندگی حزب ما را در کمیسیون تدارکی کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری که از ۲۷ سپتامبر تا اول اکتبر ۱۹۶۸ در بوداپست منعقد بود و همچنین تصمیماتی را که در این جلسات اتخاذ شده است مورد تأیید قرار میدهد. هیئت اجرائیه به هیئت دبیران اختیار میدهد که در جلسه آینده کمیسیون تدارکی - ۱۸ نوامبر - شرکت نموده از تشکیل هر چه سریعتر کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری پشتیبانی نماید.

حزب توده ایران تشکیل کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری را بویژه در اوضاع و احوال کنونی وسیله نیرومندی برای تحکیم وحدت و همبستگی نهضت جهانی کمونیستی و پیشرفت مبارزه کلیه نیروهای ضد امپریالیستی در مقیاس جهانی میشمارد.

تحقق بهترین آرمانهای جامعه ترقیخواه بشری، در مبارزه بغاظر ساختمان کمونیسم صمیمانه آرزو نمودیم.

فرخنده باد جشن پنجاه و یکمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر!

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری!
استوار باد دوستی و همبستگی پرولتری میان حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی!
کمیته مرکزی حزب توده ایران

بدون تفسیر

۱) «انقلابیون توده» در باره «مارکسیست - لنینیست های توفان»

اظهار نظر «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» در باره انشعابگران از کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از اخراج آنها از این «سازمان»:

«آنها در حقیقت از آبرو و اینطرف آمدند که کاسبکارانی طماعند و بوی کاسبی تازه ای بمشاشان رسیده است. قصد آنها این بود که سازمان ما را به دکانی تازه تبدیل کنند، جهت انقلابی آنرا منحرف نمایند و آنرا از هم بپاشند... آنها از این فرصت نیز که سازمان در اختیارشان گذاشته بود استفاده نکردند بلکه شروع یک سلسله اقدامات خرابکارانه نمودند.»

در اظهار نظر «سازمان انقلابی» صفات و مختصات زیر برای این گروه بر شمرده شده است: کسانیکه «ماسک» به چهره خود زده اند و حرفهای «ظاهر فریب» مینهند... بقدری با کثافات آلوده شده اند که «آب دریاها نیز نمیتواند تمیزشان سازد»... دارای «اشتباهات تئوریک» و «اپورتونیسم» هستند و اینها «از یک موضع ایدئولوژیک بی نادرست و غیر پرولتری سرچشمه میگیرند.»

... دارای تره های «سراپا رویونیستی» هستند «فقط کلمات اینها غوامقربانه تر و پر پیچ و خم تر است»... «عوامفریبی» میکنند، «مقام رهبری را دو دستی چسپیده اند و خیال ندارند آنرا از دست بگذارند»... عقیده آنها «فقط میتواند ناشی از روحیه بوروکراتیک، دیدلغات منشی و نشناختن خط مشی توده ای باشد»... «نمایندگان طرز تفکر کهنه ای هستند که سرنوشت نهضت را به اینجا کشانده اند، با اینکه اکنون تظاهر به «نو» بودن و طرفداری از نو میکنند جامد و کهنه و متحجرند»... کارشان «جز تقلید و کپی برداری نیست»... دارای «سماهیته اپورتونیستی و رویونیستی» هستند... «همه اشتباهاتی را که خود کرده اند... حاشا میکنند»... «از همان آغاز شروع به خرابکاری در کار سازمان نمودند، از آغاز میخواستند یک خط مشی هوچیگرانه و کاسبی منش را به توده تحمیل کنند، آنرا به بهانه «مبارزه با رویونیسم» از مبارزه با رویونیسم بازدارند»... مانند یک «خرده بورژوا» از «انتقاد از خود» و «از لطمه دار شدن پرستیژ خود بیخود» به حال ترسیدند»... «در بهانه سازی و توجیه استدلالت»... «تهمت زن و دروغ گو هستند»... «کاروانان غیر انقلابی» و «سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه میدهند.»

(از شماره هفتم «توده» سال اول - اسفند ۱۳۴۵)

۲) «مارکسیست - لنینیست های توفان»

در باره انقلابیون توده

اظهار نظر «سازمان مارکسیستی -

«تسلیت»

با نهایت تأسف از درگذشت آقای نوروزی پدر رفیق ارجمند ماداود نوروزی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و عضو هیئت تحریریه مردم اطلاع یافتیم. این جنابیه را به رفیق عزیزمان از صمیم قلب تسلیت میگوئیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران هیئت تحریریه ماهنامه مردم

لنینیستی توفان» در باره «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» و گردانندگان آن پس از اخراج گروه سه نفری از سازمان اخیر:

«یقیناً این سه نفر (گروه انشعابگران از کمیته مرکزی حزب توده ایران - مردم) با سابقه و تجارب شخصی خویش بخوبی میدانستند که هر سازمان نوظهوری اگر چه بر اثر مبارزه جوئی انقلابیون صدیق بوجود آمده باشد از نفوذ ماجرا جویان و فرصت طلبان و عمال اخلاکگر امپریالیسم رویونیسم خالی نتواند بود... «انحرافات ایدئولوژیک سیاسی و سازمانی شان هر روز کم و بیش آشکار شده است»... «شیوه اینان بدون کم و کاست شیوه فاشیستی بود»... شیوه خورده مارکسیسم - لنینیسم بود»... شیوه رویونیست های ورشکسته بود. اینان وقتی که سلاح تهدید و تطمیع را بی اثر یافتند و خطر افشاء مواضع ارزان و مشکوک خویش را حس کردند سراسیمه وار نقشه کشیدند»... که این گروه را «از سر راه بردارند یعنی در واقع فرمان سازمان امنیت و رویونیسم جهانی را بنوع اجرا در آورند»... اینان سه نفر را «به قصد نابودی آنها تا گهان در کشور امپریالیستی، در کشور «شیطان زرد» در کشوری که فقط به دارندگان سیم و زر حق حیات میدهد بدون کمترین وسیله استمرار معاش تنها گذاشتند و خندان خندان در کمین نشستند که گویین گرسنگی و بی خانمانی کی بر گردن آنها فرود خواهد آمد و راه فریبکارهای سیاسی اینان را کی خواهد گشود»... آنها افرادی هستند که خود را در کنار مارکسیست - لنینیست ها جا داده اند و از پشت به آنها خنجر میزنند، افرادی که در کوبیدن سه عضو کمیته مرکزی در همه حال با رویونیستها هماهنگی کردند؛ افرادی که چند سال نهضت مارکسیستی - لنینیستی ایران را به نوارین مختلف در رجوت و گمراهی نگه داشتند؛ فرصتهای گرانبائی را فرار دادند و زمینه مساعد فعالیت را چنان بهم زدند که برای بهبود آن زحمات و مشقات فراوان لازم است»... «حوادثی که... گذشته است میتواند پرتو جدیدی بر عملیات زیانکارانه این ماجراجویان سیاسی و گرداننده ویا گردانندگان پشت پرده آنها بیفکند»

(از «توفان» شماره ۸، دوره سوم، فروردین ماه ۱۳۴۷) دنباله در صفحه ۲

غرفه «مردم» نمایشگر مبارزه و زندگی

این دو صندوق ریخته شد و به مصرف خرید لباس و دارو برای زلزله زدگان رسید و به ایران ارسال گردید. این نشانه همبستگی مردم شرکت کننده با ملت مصیبت دیده ایران بود. در غرفه «مردم» تصاویری از زندگی بزرگ طبقات تهی دست در برابر صحنه های پر تلولو و شکوه زندگی درباری قطب های فقر و ثروت در کشور ما نشان میدادند. یکی از بینندگان گفت: «جای تأسف است که مردم ایران تا اینقدر فقیر باشند و شاه و درباریان با اینهمه جلال و شکوه زندگی کنند».

سی و سومین جشن روزنامه «اومانیته» ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۷ و ۸ سپتامبر ۱۹۶۸ در پاریس تشکیل بود. در این جشن طبق معمول همه ساله، کوی مخصوصی به غرفه های روزنامه های احزاب برادر کمونیست و کارگری تخصص داده شده بود تا سخنگوی زندگی و مبارزه مردم خویش باشند. ماهنامه «مردم» نیز در جشن «اومانیته» نمایشگر مبارزه، زندگی و رنجهای ملت خود بود.

غرفه «مردم» را پرچمهای سه رنگ ایران زینت میدادند و صفحات سرود های انقلابی و ترانه های فولکلوریک که از بلندگوی غرفه پخش میشدند سراننده بیکار مردم و بازگو کننده گوشه هایی از زندگی خلق های زحمتکش ایران بودند. تم اصلی غرفه «مردم» فقدان دموکراسی در ایران و سرکوب جنبش انقلابی طی ۲۷ سال سلطنت شاه، نمایش زندگی رقت بار مردم از یکسو و شکوه و جلال زندگی دربار از سوی دیگر بود.

وقوع زلزله در ایران و مرگ جانکاه هزاران نفر از هموطنان ما و بیخانمانی دهها هزار نفر دیگر نیز، حادثه تکانه کننده ای بود که در غرفه «مردم» جای مخصوص خود را داشت. یک تابلوی سه بلیک درباره مقتولین حادثه که توسط یک هنرمند ایرانی تهیه شده بود و نیز عکسهایی از وضع دلخراش مردم مناطق زلزله زده، تماشاگران را به همزدی و کمک به زلزله زدگان تشویق میکردند. برای جمع آوری کمک، یک صندوق در غرفه «مردم» گذاشته شده بود و «صندوق اعانه» جشن اومانیته نیز برای زلزله زدگان ایران کمک جمع آوری میکرد. بیش از ۷۰۰۰۰ فرانک جدید از طرف تماشاگران جشن در

تصاویر اعدام و تیر باران میهن پرستان انقلابی که طی ۲۷ سال سلطنت شاه به شهادت رسیده اند نفرت تماشاگران را نسبت به رژیم آزادی کش ایران بر می انگیزخت. تک خانم تماشاچی هنگام بازدید غرفه «مردم» گفت: «من تا بحال تصور نمیکردم که در ایران اینهمه جنایت و قتل و کشتار صورت گرفته باشد» این تصاویر در عین حال بیانگر مبارزه قهرمانانه خلقهای ایران برای اخراج دموکراسی و استقلال بود.

مصنوعات دستهای هنرمند زحمتکشان ایران بصورت انواع قالیه، گلدان، کوزه سینی، اشیاء زینتی، رومیزی، دیوار کوبهای قلمکار، روسری، دستمال مورد توجه شدید تماشاگران خارجی بود. کارت پستالهای مناظر ایران و مینیاتور ایران، کتابهای مانند «گلستان» و «مینیاتور ایران» بزبان فرانسه که برای فروش به تماشاگران عرضه میشد مورد استقبال فراز میگرفت.

در جریان جشن دو روزه «اومانیته» «غرفه مردم» علاقمندان بسیاری را بخود جلب نمود و مجموعاً میتوان گفت که غرفه «مردم» طی سه سال کوشش خود توانسته است در بین شرکت کنندگان جشن «اومانیته» جای معنی برای خود باز کند.

برای نجات زندانیان سیاسی

رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه همچنان با اقدامات تبعیضی خود ادامه میدهد. زندانیان ایران بر از آزادگان میهن پرستی است که در ظلمات اختناق، محفل مبارزه را روشن نگاه داشته اند. تبعید عده ای از زندانیان حزب توده ایران و زندانیان وابسته به سازمانهای مترقی دیگر، اعزام دانشجویان مخالف رژیم به مبارزخانه ها، بازداشت و شکنجه گروههای جدیدی از دانشجویان، محاکمه روحانیون آزادیخواه در دادگاههای دوپسته نظامی و اعدام میهن پرستان کردستانی همه و همه ماهیت ضد دموکراتیک رژیم را بیش از پیش برملا میکند. تاز شرایطی که در داخل کشور امکان تظاهرات و اعتراضات نیست فقط عرصه خارج از کشور برای نیروهای ملی و مترقی باقی میماند که باید در راه افشاء گری رژیم حد اکثر استفاده از آن بعمل آید. متأسفانه با وجود حسن و تمیذهای جدیدی که از طرف رژیم صورت گرفته در یکسال اخیر عکس العمل لازم و کافی از طرف نیروهای مترقی نشان داده نشده و فقط به اعتراضات گه گاهی و پراکنده اکتفا شده است. وظیفه سازمانهای دانشجویی در خارج از کشور و کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی است که با استفاده از امکانات وسیع خود در این راه پیشقدم شوند و برای رهائی زندانیان سیاسی، کارزار تبلیغاتی وسیع علیه استبداد رژیم را سازمان دهند. وظیفه همه دانشجویان آزادی دوست و همه سازمانهای دانشجویی است که بجای پرداختن به بحثهای بی سرانجام متجدد در راه مبارزه علمی و مؤثر برای نجات هم میهنان در بند خود گام گذارند.